



اقتصاد عمومی ۱

(مباحث مقدماتی)

مدرس: فرشاد صادقیان یکتا

مقدمه

اقتصاد عمومی چیست؟

اقتصاد عمومی مطالعه نقش دولت در اقتصاد است؛ از جمله مالیات‌گیری، هزینه‌های عمومی، تنظیم بازارها و حل مشکلاتی مثل نابرابری یا آلودگی.

چرا مهندسان صنایع باید اقتصاد عمومی بخوانند؟

- درک تأثیر سیاست‌های دولت بر صنعت (مثل قوانین محیط زیستی یا یارانه انرژی).
- طراحی سیستم‌های تولیدی با در نظر گرفتن مالیات و قوانین دولتی.

مثال:

دولت برای کاهش آلودگی هوا، مالیات بر انتشار کربن وضع می‌کند. یک مهندس صنایع باید هزینه‌های این مالیات را در طراحی خط تولید محاسبه کند

تفاوت بازارهای خصوصی و عمومی

- بازار خصوصی: عرضه و تقاضا توسط افراد و شرکت‌ها کنترل می‌شود (مثال: تولید خودرو).
- بازار عمومی: دولت در تولید کالاها یا خدمات دخالت می‌کند (مثال: ساخت جاده یا بیمارستان).

مثال:

اگر ساخت جاده تنها به بخش خصوصی واگذار شود، ممکن است شرکت‌ها فقط جاده‌های پُر تجربه را بسازند. دولت با ساخت جاده‌های روستایی، عدالت را افزایش می‌دهد.

کالاهای عمومی و خصوصی

- کالای عمومی: غیررقابتی و غیرقابل حذف (مثال: روشنایی خیابان).
- کالای خصوصی: رقابتی و قابل حذف (مثال: یک ساندویچ).

مثال:

هواپیماهای نظامی یک کالای عمومی هستند؛ چون امنیت همه مردم را بدون رقابت تأمین می کنند.

شکست بازار (Market Failure)

وقتی مکانیسم بازار بهینه عمل نمی‌کند. دلایل:

۱. **کالاهای عمومی** مثال: مردم به صورت رایگان از روشنایی خیابان استفاده می‌کنند و حاضر به پرداخت نیستند

۲. **اثرات جانبی (Externalities)** مثال: آلودگی کارخانه بر سلامت مردم تأثیر می‌گذارد

مثال:

یک کارخانه فولاد با تولید آلودگی، هزینه‌های درمانی را به جامعه تحمیل می‌کند. این یک «اثر جانبی منفی» است.

دولت چگونه شکست بازار را اصلاح می کند؟

- مالیات بر اثرات منفی مثال: مالیات بر آلودگی
- یارانه برای اثرات مثبت مثال: یارانه به شرکت های تولیدکننده پنل خورشیدی
- قوانین تنظیمی مثال: استانداردهای ایمنی برای خودروها
- مثال:
دولت به ازای هر تن CO2 منتشرشده، ۱۰۰ هزار تومان مالیات می گیرد. این باعث می شود کارخانه ها فیلترهای آلودگی نصب کنند.

مالیات و انواع آن

- **مالیات مستقیم:** روی درآمد یا دارایی افراد (مثال: مالیات بر حقوق).
- **مالیات غیرمستقیم:** روی کالاها و خدمات (مثال: مالیات بر ارزش افزوده).

مثال:

حقوق یک مهندس صنایع ۲۰ میلیون تومان است. با نرخ مالیات ۱۰٪، او ماهانه ۲ میلیون تومان مالیات می‌پردازد.

محاسبه مالیات تصاعدی

در مالیات تصاعدی، نرخ مالیات با افزایش درآمد، بیشتر می شود.

درآمد سالانه (تومان)	نرخ مالیات
تا ۵۰ میلیون	۱۰٪
۵۰ تا ۱۰۰ میلیون	۱۵٪
بالای ۱۰۰ میلیون	۲۰٪

مثال:

درآمد یک شرکت: ۱۲۰ میلیون تومان.

- ۵۰ میلیون اول: $50 \times 0.1 = 5$ ، $550 \times 0.1 = 55$ میلیون.
 - ۵۰ میلیون دوم: $50 \times 0.15 = 7.5$ ، $550 \times 0.15 = 82.5$ میلیون.
 - ۲۰ میلیون باقی مانده: $20 \times 0.2 = 4$ ، $420 \times 0.2 = 84$ میلیون.
- مجموع مالیات: $5 + 7.5 + 4 = 16.5$ میلیون تومان.

یارانه (Subsidy) – هزینه‌های عمومی (Public Expenditure)

یارانه (Subsidy)

پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم دولت به افراد یا شرکت‌ها برای کاهش قیمت کالاها.

مثال:

دولت هر لیتر بنزین را ۱۰ هزار تومان یارانه می‌دهد. اگر قیمت واقعی ۳۰ هزار تومان باشد، مصرف‌کننده ۲۰ هزار تومان پرداخت می‌کند.

هزینه‌های عمومی (Public Expenditure)

هزینه‌های دولت برای ارائه خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و دفاع.

مثال:

بودجه سالانه دولت برای ساخت مدارس: ۲۰۰۰ میلیارد تومان. این هزینه از طریق مالیات‌ها تأمین می‌شود.

کسری بودجه (Budget Deficit) – بدهی عمومی (Public Debt)

کسری بودجه (Budget Deficit)

وقتی هزینه‌های دولت بیشتر از درآمد آن باشد.

مثال:

درآمد دولت از مالیات: ۵۰۰ میلیارد تومان.

هزینه‌های دولت: ۷۰۰ میلیارد تومان.

کسری بودجه: ۲۰۰ میلیارد تومان.

بدهی عمومی (Public Debt)

مجموع بدهی‌های دولت به افراد و نهادها.

مثال:

دولت برای جبران کسری بودجه، اوراق قرضه منتشر می‌کند. مردم اوراق را می‌خرند و دولت پس از ۵ سال با بهره بازپرداخت می‌کند.

تورم و نقش دولت – سیاست مالی (Fiscal Policy)

تورم و نقش دولت

تورم افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. دولت با سیاست‌های پولی و مالی آن را کنترل می‌کند.
مثال:

اگر تورم به ۴۰٪ برسد، دولت ممکن است با کاهش هزینه‌های خود یا افزایش نرخ بهره، تقاضا را کاهش دهد.

سیاست مالی (Fiscal Policy)

استفاده از ابزارهای مالیاتی و هزینه‌ای برای تنظیم اقتصاد.

- سیاست انبساطی: افزایش هزینه‌ها یا کاهش مالیات برای رشد اقتصاد.
- سیاست انقباضی: کاهش هزینه‌ها یا افزایش مالیات برای کنترل تورم.

مثال:

در رکود اقتصادی، دولت پروژه‌های عمرانی جدید راه می‌اندازد تا اشتغال افزایش یابد.

سیاست پولی (Monetary Policy) – اقتصاد رفاه (Welfare Economics)

سیاست پولی (Monetary Policy)

کنترل عرضه پول توسط بانک مرکزی (مثال: تغییر نرخ بهره).

مثال:

بانک مرکزی نرخ بهره را از ۲۰٪ به ۱۵٪ کاهش می‌دهد تا وام گرفتن برای شرکت‌ها ارزان‌تر شود.

اقتصاد رفاه (Welfare Economics)

مطالعه توزیع منابع برای حداکثرسازی رفاه اجتماعی.

مثال:

آیا اختصاص بودجه بیشتر به آموزش، رفاه جامعه را بیشتر می‌کند یا به بهداشت؟

تحلیل هزینه-فایده (Cost-Benefit Analysis)

تحلیل هزینه-فایده (Cost-Benefit Analysis)

مقایسه هزینه‌ها و منافع یک پروژه برای تصمیم‌گیری.

مثال:

پروژه احداث مترو:

- **هزینه:** ۱۰۰۰ میلیارد تومان.
- **فایده:** کاهش ترافیک، صرفه‌جویی در زمان و سوخت.
اگر فایده‌ها > هزینه باشد، پروژه توجیه دارد.

تجارت بین الملل و نقش دولت – مطالعه موردی (Case Study)

- تعرفه: مالیات بر کالاهای وارداتی.
- سهمیه: محدودیت حجم واردات.

مثال:

دولت بر واردات خودرو ۴۰٪ تعرفه می گذارد تا از تولید داخلی حمایت کند.

مطالعه موردی (Case Study):

بررسی تأثیر یارانه بنزین بر مصرف سوخت و آلودگی هوا:

- قبل از یارانه: قیمت بنزین ۳۰ هزار تومان، مصرف ماهانه ۱۰۰ میلیون لیتر.
- پس از یارانه: قیمت ۱۰ هزار تومان، مصرف ۱۵۰ میلیون لیتر.
- نتیجه: یارانه باعث افزایش مصرف و آلودگی شده است.



پایان جزوه:

این جزوه به زبان ساده و با مثال‌های ملموس از مباحث مقدماتی اقتصاد عمومی (طراحی شده تا مهندسان صنایع

بتوانند ارتباط اقتصاد عمومی با حوزه کاری خود را درک کنند. موفق باشید! 🚀